

شورای سردبیری فرهنگ توسعه همواره شاهد دریافت مقالاتی از سوی خوانندگان بوده است. تاکنون روال مجله بر آن بوده که مقالات در شورای سردبیری بررسی شود و در صورت تأیید چاپ در نوبت انتشار قرار بگیرد. اما انتشار شماره‌های محدودی در سال و محدودیت صفحات مجله، و نیز، اولویت‌های موردنظر شورای سردبیری، در عمل بدان انجامیده که هر یک از این مقالات پس از پذیرش، ماه‌ها در انتظار درج در مجله بمانند. از این شماره درصد برآمدیم که روال دیگری برای انتشار این ردیف مقالات برگزینیم و در هر شماره در ستون مخصوصی نکات مهمی را که خوانندگان ما در مقالاتشان ذکر کرده‌اند بیاوریم. اگرچه می‌دانیم ذکر این نکات هرگز نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند و باز هم اگرچه می‌دانیم که تلخیص سخن یک مقاله‌ی چندین صفحه‌ای در چند پاراگراف به‌دشواری امکان‌پذیر است. اما ناگزیر از آن هستیم که آینه‌ای برای بازتاب نظرگاه‌های افراد دیگری فراهم آوریم که درباره‌ی مسایل روزگار خویش می‌اندیشند و در پی آن‌اند که نظراتشان بازتابی همگانی بیابد. بنا نداریم سخت‌گیری‌های معمولمان در انتخاب مقالات را در این ستون هم اعمال کنیم، اگرچه درج پاره‌ای نکات برخی مقالات در این ستون نشان از آن ندارد که تنها مطالب خواندنی آن مقالات این چند سطر بوده است.

رشد جمعیت صفر: گامی مؤثر در جهت عدالت اجتماعی

سیامک آقازینی

باعث از بین رفتن تفاوت‌ها و اختلاف‌های طبقاتی و ظلم و اجحاف نخواهد شد، ولی عامل بسیار مؤثری در پایین آوردن عوارض آن و یا جلوگیری از افزایش آن خواهد بود. از این نظر لازم است تا مکانیزم‌های دیگری برای مبارزه با آن‌ها در نظر گرفته شود. کنترل جمعیت «شرط لازم و نه کافی» سعادت جامعه به‌شمار می‌آید و می‌تواند باعث فروکش کردن و تعدیل بخش زیادی از نیازهای اساسی گردد. بنابراین ایجاد عدالت اجتماعی بدون کنترل جمعیت، ممکن است منجر به ایجاد یک «جامعه‌ی بدون طبقه ولی یا فقر مساوی» شود و کنترل جمعیت بدون عدالت اجتماعی نیز منجر به ایجاد «جامعه‌ای با اختلاف طبقاتی تعدیل شده» می‌شود که در صورت اخیر، اکثریت جامعه، قادر به تأمین نیازهای اساسی زندگی خود هستند.

اهمیت سیاست کنترل جمعیت بدان حد است که بر فرض مثال، احداث و راه‌اندازی یک کارخانه‌ی تولید وسایل جلوگیری از بارداری می‌تواند از احداث یک کارخانه‌ی ذوب آهن بسیار مهم‌تر باشد!

به هر حال اقداماتی نظیر:

- ساخت و گسترش صنایع تولید وسایل جلوگیری جهت ارزان شدن و استفاده‌ی همگانی از آن‌ها،
- استفاده از آخرین دستاوردهای علم پزشکی در جلوگیری از حاملگی،
- تعیین جوایز نقدی و غیرنقدی قابل توجه برای عقیم‌سازی زنان و مردان،
- توزیع رایگان وسایل جلوگیری و بسیج مددکاران آموزش دیده برای مراجعه به نقاط محروم روستاها و شهرها،
- اجرای سیاست‌های تشویقی و تنبیهی برای خانوارهای کم‌جمعیت و پرجمعیت!

همگی از جمله ابزارهای مناسبی هستند که می‌توانند به دولت در این مورد یاری کنند. و سخن آخر آن که کنترل جمعیت یک عزم ملی می‌طلبد و شایسته است که با توجه به نقش ارزنده‌ی مطبوعات در آگاهی بخشیدن به جامعه و با یاری و مساعدت و بذل توجه آنان، زمینه‌ی یک حرکت گسترده‌ی اجتماعی تا حصول به «رشد جمعیت صفر» آماده گردد.

تأثیر «رشد جمعیت صفر» بر سطح رفاه عمومی بسیار زیاد است. «رشد جمعیت صفر» باعث خواهد شد که نیازهای اساسی جامعه یعنی خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و... پس از گذشت مدت زمان مناسب، اشباع شود و فروکش کند و اکثریت افراد، دارای سریناه مناسب شوند و از نظر خوراک و پوشاک و آموزش تأمین گردند. این امر به علت از بین رفتن «نیازهای جدید» که معمولاً رقم بسیار قابل توجهی را تشکیل می‌دهد، به‌وجود می‌آید. در این حالت تقاضاها و نیازها فقط در جهت بهینه‌سازی و نوسازی امکانات فعلی وجود خواهند داشت. مثلاً به جای تقاضا برای افزایش تعداد واحدهای مسکونی و بالا رفتن «کمیت» آن‌ها، این تقاضاها بیش‌تر به نوسازی و بهسازی منازل مسکونی معطوف خواهد شد. از سوی دیگر روند پیشرفت تکنولوژی و دستاوردهای علمی به‌گونه‌ای است که قادر خواهد بود یک رفاه نسبی، اگرچه ناکامل، را برای تمامی افراد بشر به ارمغان بیاورد. این امر در صورت وجود رشد جمعیت صفر، بسیار سریع‌تر قابل دستیابی است.

در زمینه‌ی موادغذایی «رشد جمعیت صفر» باعث حفظ منابع طبیعی و حداکثر استفاده از امکانات موجود می‌گردد و از فشارهای وارده در جهت افزایش منابع تأمین‌کننده‌ی غذا می‌کاهد و می‌تواند نقش مهمی در حفظ محیط زیست ایفا کند و با گیل به آن پس از مدتی عرضه و تقاضای موادغذایی برابر می‌شود و هم‌زمان با رشد دانش و تکنولوژی زراعی و دامپروری، شاهد وفور موادغذایی در جامعه خواهیم بود. کارکرد بسیار مهمی که رشد جمعیت صفر بر عهده خواهد داشت کنترل تورم اقتصادی است. هنگامی که در زمینه‌ی تأمین نیازهای اولیه، عرضه و تقاضای محصولات برابر شود، ثبات بسیار مطلوب اقتصادی حاصل خواهد شد که از رشد قیمت‌ها و تورم جلوگیری خواهد کرد و حتی ممکن است در این زمینه شاهد رشد منفی قیمت‌ها نیز باشیم.

«رشد جمعیت صفر» در کشورهایی نظیر کشور ما که از نظر ساختار جمعیتی بسیار جوان است نوعی تناسب در بین گروه‌های سنی مختلف ایجاد خواهد کرد و در نتیجه بر نیروی مولد جامعه افزوده می‌شود. البته «رشد جمعیت صفر»

... برای افزایش «رفاه عمومی هر شخص» دو کار باید انجام شود:

۱ - افزایش رفاه کلی جامعه

۲ - محدود کردن تعداد نفرت استفاده‌کننده

میزان رشد رفاه کلی جامعه به شدت متأثر از مدنیت و توسعه‌یافتگی آن جامعه است. متأسفانه به علت رشد سریع جمعیت در بسیاری از کشورهای جهان سوم، همواره توسعه‌ی اجتماعی یک گام از توسعه‌ی جمعیت عقب‌تر است. به عبارتی، در این کشورها همواره «توسعه» جبران مافات به‌شمار می‌رود!!

افزونی جمعیت و عدم وجود یک ساختار صحیح اجتماعی و فرهنگی مناسب باعث می‌شود که نیازهای اساسی جامعه، آن‌چنان مشکلات جدی و حادی ایجاد کند که امکان هرگونه برنامه‌ریزی جامع و عمل به آن از سوی کارگزاران سلب شود و یا این که برنامه‌های اجرایی ناقص باشد و نیازهای واقعی جامعه را برآورده نکند و خود در آینده بخشی از یک معضل پیچیده را تشکیل دهد.

در این زمینه، مشکل جمعیت، مسئله‌ای بسیار مهم و اساسی، برای ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یک کشور به‌شمار می‌رود و لزوم کنترل آن یکی از وظایف اصلی دولت‌ها است. به گمان من، حد ایده‌آل کنترل جمعیت برای کشورهای توسعه‌نیافته و پرجمعیت، «نرخ رشد صفر درصد» است. چنین نرخ رشدی دارای مزایای بی‌شماری است و هم‌اکنون بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته، از آن استفاده می‌کنند و بهره‌ی فراوان می‌برند.

کنترل رشد جمعیت تا حد صفر، به طبع باعث تقسیم نسبی ثروت‌ها و کمک به هماهنگی اجتماعی و کاهش اختلاف طبقاتی می‌شود. این امر از طریق مرگ و میر افراد متمول و تقسیم ثروت‌های آنان و ازدواج فرزندان آنان با طبقات اجتماعی دیگر، در کنار وضع مالیات‌های مناسب بر دارایی آن‌ها صورت می‌پذیرد. البته مرگ و میر، فقر اقشار محروم را نیز تقسیم خواهد کرد، ولی همان‌طور که بعداً خواهیم گفت با بالا رفتن سطح رفاه عمومی جامعه و تزویج اقشار مختلف، این گروه به مرور وضعیت بسیار بهتری پیدا خواهد کرد.